

مطالعه و چالش‌های قراردادی یورو

اثر آن بر کشورهای در حال توسعه و ایران

(قسمت اول)

■ تألیف و ترجمه:

دکتر احمد یزدان پناه

سیفا... صادقی یارندی

حسن مرزوقی

مقدمه

در ژانویه سال ۱۹۹۹ پس از مدت‌ها بحث و مذاکره بین کشورهای اروپایی، یورو به صورت پول قانونی و دفتری به جریان افتاد و قرار است که در ابتدای سال ۲۰۰۲ کلیه پول‌های ملی کشورهای عضو یورو از جریان خارج و پول واحد اروپایی (یورو) جایگزین آنها شود. پدیدهٔ مزبور که مبتنی بر پایه‌های تئوریک مربوط به اتحادیهٔ پولی بوده و نشأت گرفته از آمال و امیال وحدت سیاسی اروپا است، در طول تاریخ، مسبق به سابقه نبوده است. سال‌های آتی شاهد آثار این پول بر اعضای منطقه یورو و سایر کشورهای اروپایی و جهان خواهد بود و این سال‌ها تجربیات به دست آمده در خصوص درجهٔ توفیق و نارسایی‌های مترتب بر این پول و کاربرد مباحثات تئوریک مربوطه را در عمل نشان خواهد داد. در حال حاضر یازده کشور اروپایی این ترتیبات پولی را قبول نموده‌اند و انتظار این است که در

سال‌های آتی به تعداد اعضای این منطقه پولی افزوده شود. اعضای فعلی عبارتند از: اتریش، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، ایرلند، بلژیک، لوگزامبورگ، پرتغال، فرانسه، فنلاند و هلند. شکی نیست که اتحادیهٔ پولی اروپا و یورو سبب به وجود آمدن فرصت‌ها و چالش‌هایی برای کشورهای عضو منطقه یورو و کشورهای خارج از آن منطقه خواهد شد. این فرصت‌ها و چالش‌ها از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار هستند و مشکلات موجود در سیستم فعلی پولی جهان بر این پیچیدگی‌ها می‌افزاید.

اثرات اتحادیهٔ پولی اروپا و یورو بر کشورهای عضو منطقهٔ پولی و سایر کشورها فقط ناشی و منبعت از تبعات پولی بین‌المللی این اقدام نیست، بلکه روابط تجاری و سرمایه‌ای شرکای تجاری منطقه از این پدیده تأثیرپذیر بوده و ایجاد یک بازار واحد مقتدر اقتصادی که نتیجهٔ بلافصل این ترتیبات

است، بر اقتصادهای خود منطقه و دیگر کشورهای جهان تأثیرگذار است. با توجه به ملاحظات فوق، شناسایی یورو و آثار و تبعات آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و ملی برای هر کشور از ضروریات است. از طرف دیگر گستردگی این آثار به حدی است که نمی‌توان با ارایهٔ یک گزارش ویژه، حق مطلب را به طور شایسته ادا نمود. همان‌طور که اشاره شد آثار یورو به منطقهٔ یورو محدود نمی‌شود و بر سایر مناطق جهان نیز تأثیرگذار است. به همین جهت، قسمت‌هایی از این گزارش نیز به بررسی این آثار در سایر مناطق جهان اختصاص داده شده است و بالاخره چون اعتقاد داریم بررسی مسایل و تحولات اقتصادی و پولی و تجاری بدون تجزیه و تحلیل ارتباط آنها با کشور عزیزمان ایران از قوت وافی برخوردار نیست، لذا بخش پایانی این گزارش به یورو و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران اختصاص داده شده است.

۱- بانک مرکزی اروپا

۱-۱- بانک مرکزی اروپا و دلیل اهمیت آن برای یورو

بانک مرکزی اروپا بالاترین مرجع قدرت در منطقه یورو است. این بانک شبیه فدرال رزرو آمریکا، بانک ژاپن و بانک مرکزی آلمان است. بانک مرکزی اروپا ناشر یورو و حامی قانونی آن است. فعالیت اساسی آن، تعیین نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت می‌باشد. این نرخ‌های بهره هستند که آهنگ رشد اقتصادی را تعیین می‌نمایند. از آنجایی که بانک مرکزی اروپا، عهده‌دار هدایت و تصمیم‌گیری درباره سیاست پولی در منطقه یورو می‌باشد، بنابراین بانک مزبور مهمترین عامل تعیین‌کننده ثبات و موفقیت یورو است.

علی‌رغم آنکه قبل از ایجاد منطقه پولی اروپا و تولد پول اروپایی (یورو) یازده عضو فعلی اتحادیه پولی اروپا بعضاً در زمینه سیاست پولی و نرخ بهره با هم همکاری‌های رسمی و غیررسمی در سطوح مختلفی داشتند، ولی هر یک از یازده بانک مرکزی به‌طور جداگانه سیاست‌های پولی و نرخ‌های بهره خود را مستقل از یکدیگر تعیین می‌نمودند. از اول ژانویه سال ۱۹۹۹ بانک مرکزی اروپا، مرجع منحصر به‌فرد اجرای سیاست پولی برای منطقه یورو شد. اکنون یازده بانک مرکزی کشورهای عضو، اعضای یک سیستم بانکی وسیع‌تر بوده و بانک مرکزی اروپا را در کارهای خود یاری می‌دهند. این سیستم بانکی به عنوان «سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی» معروف است.

بد نیست بدانیم که بانک مرکزی اروپا جانشین مؤسسه پولی اروپایی است. هنگامی که کمیسیون اروپا، اتحادیه پولی را ایجاد نمود، بر این عقیده تأکید شد که بهترین راه این است که بانک مرکزی

اروپا مرحله به مرحله و به تدریج ایجاد شود. بنابراین در وهله اول مؤسسه پولی اروپایی در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد و چهار سال طول کشید تا توانست خود را به صورت یک بانک مرکزی فعال درآورد. این مؤسسه قدرت خود را رسماً در اول ژوئن سال ۱۹۹۸ به بانک مرکزی اروپا محول نمود. مقر بانک مرکزی اروپا در فرانکفورت است و حدود ۶۰۰ نفر کارمند دارد. قابل ذکر است که سیستم پولی اروپا در سراسر کشورهای منطقه یورو دارای ۶۰ هزار عضو است.

۱-۲- تشکیلات بانک مرکزی اروپا

بانک مرکزی اروپا دارای دو ارگان اصلی است که عبارتند از: هیأت‌مدیره و شورای اجرایی هیأت‌مدیره. هیأت‌مدیره مرکب از رئیس، نایب رئیس و چهار تا شش عضو است که هر یک برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنان امکان‌پذیر نمی‌باشد. شورای اجرایی اعضای هیأت‌مدیره و رؤسای بانک‌های مرکزی یا سیستم بانکی یورو که تصمیمات مربوط به سیاست پولی را با اکثریت آراء اتخاذ می‌نمایند.

ساختار بانک مرکزی اروپا شبیه ساختار فدرال رزرو و بانک مرکزی آلمان است و تنها تفاوت آنها در این است که بانک مرکزی اروپا به مراتب غیرمتمرکزتر از دو مورد قبلی است.

همان‌طور که گفته شد، تعداد پرسنل این بانک حدود ۶۰۰ نفر است، در حالی که کارکنان بانک مرکزی آلمان متجاوز از ۲۰ هزار نفر و اعضای بانک فرانسه بیش از ۱۶ هزار نفر است و همین کم بودن تعداد پرسنل در مقام مقایسه با سایر بانک‌های مرکزی باعث شده است که شک و تردیدهایی در رابطه با کارایی آن در بین مخالفین به‌وجود آید.

۱-۳- مسؤولیت‌های بانک مرکزی اروپا

بانک مرکزی اروپا نظیر سایر بانک‌های مرکزی، حامی پولی است که انتشار می‌دهد. با این همه تعریف مأموریت و وظیفه بانک مرکزی اروپا به مراتب دقیق‌تر و کم‌دامنه‌تر از تعاریف مشابه برای بانک‌های مرکزی است. پیمان اتحادیه اروپا به‌طور وضوح این وظایف را به‌صورت زیر بیان می‌دارد:

«هدف اصلی و اولیه سیستم پولی اروپایی حفظ ثبات قیمت‌ها است.» در این تعریف و مأموریت برای بانک، هیچ یک از واژه‌های مبهم و بحث‌برانگیز که در اساسنامه سایر بانک‌های مرکزی از جمله فدرال رزرو یافت می‌شود، ملاحظه نمی‌گردد. گرچه سیستم پولی اروپایی دارای مسؤولیت‌های دیگری نیز می‌باشد، ولی ثبات قیمت‌ها یا کنترل تورم مهمترین هدف این بانک است.

دلیل اهمیت ثبات قیمت‌ها و مبارزه با تورم معلوم است و احتیاج به بحث ندارد. تورم قدرت خرید پول را کاهش می‌دهد و در شرایط تورمی، پول فراوان و میزان کالا کم است. در زمان جنگ جهانی دوم، ارزش پول آلمان بر اثر تورم تقریباً کمتر از کاغذی شد که پول بر آن نقش بسته بود.

همانند سایر بانک‌های مرکزی، بانک مرکزی اروپا تورم را از طریق دخالت در نرخ‌های بهره بین بانکی کنترل می‌نماید. افزایش نرخ بهره، هزینه استقراض را بالا برده و در نتیجه مصرف را کاهش می‌دهد. نرخ‌های بهره بالاتر سبب می‌شوند که

- 1- European Central Bank (ECB)
- 2- European System of Central Banks (ESCB)
- 3- European Monetary Institute (EMI)

منطقه پولی قرار داده است. علت تعیین این معیارهای همگرایی، اطمینان حاصل نمودن از این امر است که کشورهایی که می‌خواهند به این اتحادیه پولی بپیوندند، باید قبل از عضویت، اثبات نمایند که واجد حداقل لازم، از معیارهای همگرایی هستند تا اینکه از ریسک‌های فراروی پول واحد اروپایی جلوگیری شود (برای اطلاع از معیارهای همگرایی به بخش اصلاحات ساختاری در این نوشتار مراجعه شود).

بانک مرکزی اروپا غیر از دفاع از سطح عمومی قیمت‌ها دارای مسؤولیت‌ها و وظایف دیگری نیز هست که البته همه در درجه دوم اهمیت قرار دارند. این وظایف عبارتند از:

۱ - مداخلات مقطعی در بازارهای ارزی

بانک مرکزی اروپایی وظیفه دارد که سیاست‌های کلی اقتصادی اتحادیه اروپا را به شرط اینکه اعمال این وظیفه معارض با وظیفه حفظ ثبات قیمت‌ها نباشد، مورد حمایت قرار دهد. این بدان معنا است که بانک مرکزی اروپا، گاهی اوقات در بازارهای ارزی مداخله می‌نماید.

باید گفت: اگر چنانچه بانک مرکزی اروپا در کنترل تورم موفق باشد و به عنوان یک بانک مستقل دارای حیثیت و اعتبار کافی باشد و ثبات کلی اقتصادی و مازادهای حساب جاری تراز پرداخت‌ها ادامه یابد و یورو خود را به عنوان وسیله‌ای برای ذخیره ارزش بلندمدت و مستقل نشان دهد، در آن صورت بازارهای مالی نیاز نخواهند داشت که دائماً در نرخ برابری یورو تجدیدنظر نمایند. بنابراین اگر این وضعیت ادامه داشته باشد، بحران‌های ارزی، نظیر آنچه در آسیای شرقی، آمریکای جنوبی یا

تولیدی در ایرلند دچار تورم شد که علامتی بود دایر بر اینکه باید نرخ بهره افزایش یابد تا اقتصاد قدری آرام‌تر حرکت نماید.

اما هنگامی که ایرلند سیاست پولی خود را به بانک مرکزی اروپا محول نمود، عکس این سیاست اتفاق افتاد. بدین معنا که بانک مزبور نرخ‌های بهره ایرلند را تقریباً در حد نرخ بهره جاری در آلمان و فرانسه تقلیل داد. احتمالاً این امر سبب خواهد شد که در سال‌های آینده ایرلند شاهد زیان‌های توری می‌شود چرا که نرخ‌های بهره در مقایسه با نرخ رشد اقتصادی آن پایین است.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که پس چرا در این حالت که لازم بود نرخ بهره در ایرلند افزایش یابد، بانک مرکزی اروپا برعکس، اقدام به کاهش آن نمود؟ جواب آن خیلی کوتاه و ساده است. بدین صورت که بانک مرکزی اروپا یک نرخ بهره واحد را برای تمامی کشورهای منطقه یورو و نه فقط برای ایرلند وضع نموده است. سؤال مهمتر دیگری که مطرح می‌شود، این است که چرا بانک مرکزی اروپا نرخ بهره اروپایی را متناسب با وضع ایرلند تعیین ننمود؟

دلیل این است که بانک مرکزی اروپا طیف متنوعی از شاخص‌های قیمتی تولیدی و مصرفی و معیارهای پولی را در مورد ثبات قیمتی در اروپا لحاظ می‌کند که هر کدام از آنها تنها نقش بسیار کوچکی را در این باره ایفا می‌نمایند. زمانی که سطح قیمت در ده کشور از یازده کشور منطقه یورو با ثبات بوده و تنها در یک کشور روند صعودی و فزاینده داشته باشند، متوسط سطح قیمت در منطقه یورو تغییر چندانی نخواهد نمود و درست به همین علت است که پیمان اتحادیه اروپا معیارهای همگرایی را تدوین نموده و آنها را پیش شرط ورود به

پس‌انداز جذاب‌تر شده و بدین ترتیب نرخ‌های بهره بالا، تقاضای کل را برای کالاها و خدمات کاهش می‌دهند. این امر به نوبه خود سبب می‌شود که رشد اقتصادی کند شده و تورم کاهش یابد. برعکس نرخ‌های بهره پایین‌تر سبب افزایش تقاضای کل شده و به رشد اقتصادی دامن می‌زند. این فرآیند سنگ‌زیربنای هر اقتصاد صنعتی را تشکیل می‌دهد. مهمترین مطلبی را که باید در مورد سیستم پولی اروپا به‌خاطر داشته باشیم، این است که این نهاد مسؤولیت حفظ ثبات قیمت‌ها را در منطقه یورو به‌عهده دارد. در واقع، اکنون یک بانک مرکزی وجود دارد و حال آنکه قبلاً یازده بانک مرکزی وجود داشته است.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه «ثبات قیمتی» در یک منطقه که وسعت آن یک میلیون میل مربع است، برقرار می‌شود. جواب به این سؤال ساده نیست، چرا که ممکن است در برخی از کشورهای اروپایی تورم به‌وجود آید و در برخی دیگر این حالت مصداق نداشته باشد. باید دید که به عنوان مثال، اگر پرتغال در حالت رونق باشد و اسپانیا دچار رکود شود، چه پیش خواهد آمد. یا وقتی کشورهای حوزه مدیترانه در بحران فروروند، ولی شرکای تجاری آنان در شمال شاهد رونق و افزایش قیمت‌ها باشند، ثبات مذکور چگونه به‌دست می‌آید؟

این تفاوت‌ها به‌هیچ‌وجه نباید دست کم گرفته شوند. ادوار تجاری در جهان صنعتی همیشه رخ می‌دهند و به نحو یکسان و هم‌زمان کشورهای مختلف را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهند. برای مثال در سال ۱۹۹۷ ایرلند بیش از ده درصد رشد داشت، ولی آلمان فقط رشد ۲/۵ درصدی را تجربه نمود. در نتیجه در سال ۱۹۹۸ قیمت مستغلات و محصولات

روسیه در سال‌های اخیر اتفاق افتاد، بسیار غیرمحمتم خواهد بود.

اما زمانی که ملاحظات ثبات پولی کوتاه‌مدت مطرح می‌شود، تغییرات روزمره می‌تواند در رفتار مورد انتظار بانک مرکزی اروپا مهم تلقی شود و بیش از عوامل بلندمدت ایفاء نقش نماید. مثلاً تغییرات در نرخ‌های بهره منطقه یورو می‌تواند مستقیماً بر سرمایه‌گذاری بر حسب یورو تأثیر بگذارد. بنابراین هر چه انتظارات مربوط به تغییرات در نرخ بهره بیشتر باشد، ارزش یورو هم ناپایدارتر می‌شود. حال بینیم که امکان تغییرات مکرر نرخ‌های بهره اروپایی‌ها تا چه اندازه است. آیا انتظار می‌رود که نرخ بهره اروپایی نظیر نرخ بهره در کشورهای پرتغال، ایتالیا و ایرلند قبل از یورو ناپایدار باشد؟ پاسخ به این سؤال قبل از وقوف به یک حقیقت مهم امکان‌پذیر نیست، و آن حقیقت اینست که معیارهای رشد اقتصادی و پولی که پایه و اساس تصمیمات بانک مرکزی اروپا برای نرخ بهره را تشکیل می‌دهد، از یک منطقه اقتصادی بسیار وسیع‌تری نسبت به اقتصاد هر یک از کشورها نشأت می‌گیرد. سیاست پولی در منطقه یورو مبتنی بر اوضاع و احوال اقتصادی است که کمتر از اوضاع و احوال اقتصادی هر یک از کشورهای عضو به‌تنهایی تغییر می‌کند. بنابراین انتظار این است که تعداد دفعات تغییر نرخ‌های بهره در منطقه یورو کمتر از میزان تغییر نرخ بهره در هر یک از کشورهای عضو، قبل از به‌وجود آمدن یورو باشد.

ولی این حقیقت به هیچ‌وجه به معنای آن نیست که این امر می‌تواند تضمین‌کننده ثبات روزانه یورو باشد، زیرا که سیاست‌های نرخ ارز بانک مرکزی اروپا نیز در این زمینه نقش ایفا می‌نماید. نوسانات نرخ ارز می‌تواند دارای تأثیر مهمی بر فشارهای تورمی

بوده و نقش عمده‌ای را در تعیین قدرت رقابتی اقتصادی صنایع دست‌اندرکار در امر صادرات ایفا نماید. در کشورهایی که تجارت در آنها نقش اساسی دارد، حتی نوسانات کوچک نرخ ارز می‌تواند تأثیر عمیقی در رشد اقتصادی داشته و تهدیدات تورمی را افزایش دهد و درست به همین علت بود که قبل از معرفی یورو بانک‌های مرکزی کشورهای نظیر اتریش، بلژیک و پرتغال به دقت ارزش پول خود را در مقابل شرکای عمده تجاری خود تعیین کرده و اهتمام در حفظ ثبات در نرخ‌های ارز خود نمودند. با این همه باید در نظر داشت که پس از معرفی یورو نرخ‌های ارز نیازی به اداره و دست‌کاری، به نحوی که قبلاً در اروپا لازم بوده، ندارند. علت این است که منطقه یورو مرکب از یازده کشور کوچک با اقتصاد باز است که خود یک گروه بزرگ اقتصادی بسته را تشکیل می‌دهد. قبل از یورو، صادرات کشورهای منطقه به‌طور متوسط ۴۴ درصد تولید ناخالص ملی آنها را تشکیل می‌داد، ولی با معرفی یورو، صادرات منطقه یورو تنها ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی آنها است و بنابراین نوسانات در صادرات به اندازه قبل از معرفی یورو در نرخ ارز مدخلیت ندارد. (زیرا صادرات بین‌کشوری در منطقه، دیگر صادرات به حساب نمی‌آید و امری درونی شده است و فقط صادرات با خارج از منطقه صادرات به حساب می‌آید).

بعد از ظهور یورو، بارگیری کالا از اتریش برای هلند دیگر به عنوان یک صادرات که بر نرخ ارز تأثیر داشته باشد، نگرسته نمی‌شود و بنابراین در نوسانات نرخ ارز مؤثر نخواهد بود. یک مطالعه معتبر انجام شده توسط «بگ» و دیگران در این زمینه چنین می‌گوید: «در یک اقتصاد بسته... سیاست پولی از طریق مکانیسم نرخ بهره و قیمت‌های

عمل می‌نماید... در یک اقتصاد باز نرخ ارز دارای اهمیت اساسی است... بنا به همین دلایل، طبیعی است که انتظار داشته باشیم که بانک مرکزی اروپا نسبت به بانک‌های مرکزی اروپایی، اهمیت کمتری برای نرخ ارز قایل باشد.»

به عبارت دیگر تحرکات پولی در یک اقتصاد بسته نظیر منطقه یورو آن قدرها برای سیاست پولی در سراسر اروپا نیست. واردات و صادرات دیگر اهمیت سابق خود را در ارتباط با وضعیت اقتصاد نخواهند داشت و بنابراین کمتر محتمل است که نوسانات نرخ ارز بتواند به تورم دامن بزند و قدرت رقابتی صنعتی منطقه را به مخاطره افکند. در نتیجه می‌توان گفت که بانک مرکزی اروپا تمایلی به این نخواهد داشت که مرتباً در بازارهای ارزی مداخله نماید.

۲- وظیفه دیگر بانک مرکزی اروپایی تأمین کارایی تسویه پرداخت‌ها در سراسر منطقه یورو است. اگر انتقالات الکترونیکی بین بانک‌ها، مؤسسات مالی، بنگاه‌ها و افراد باطمینان و ایمنی جریان نداشته باشد، در آن صورت اعتبار و تمامیت یورو زیر سؤال خواهد رفت. مدیریت تسویه پرداخت‌ها قبل از هر چیز مستلزم نظارت بر سیستم پرداخت‌های فرامرزی کامپیوتری اروپایی یا Target است.

۳- بانک مرکزی اروپا عهده‌دار حمایت از ذخایر مالی اعضای خود (نظیر ارز، اوراق بهادار و طلا) می‌باشد.

ادامه دارد...

1- Begg, D., Colavazzi, F. and Wyplosz, C. "Options for the Future Exchange Rate Policy of the ECU" Center for Economic Policy Research, Occasional Paper No. 17.